



جنگ

ازدیدگاه

قرآن کریم

(۱)

محمد تقی مصباح

مفهوم جنگ

واژه جنگ در محاورات عرفی و حقوقی به معنای برخورد مسلحانه دو گروه است که با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی و... انجام می‌گیرد. در قرآن کریم کلمه حرب در آیه ۶۴ از سوره مائده، و ۵۷ از سوره انفال و ۴ از سوره محمد (ص) درست به همین معنی بکار رفته است. همچنین واژه‌های قتال و اِفْتِنَال و مشتقات آنها در حدود هفتاد مورد به همین معنی استعمال شده است.

و همچنانکه گاهی در محاورات عرفی، توسعه‌ای در مفهوم جنگ داده می‌شود و تعبیراتی از قبیل جنگ سرد و مانند آن بکار می‌رود در قرآن کریم نیز کلمه حرب، با چنین توسعه‌ای استعمال شده و اصرار بر رباخواری، اعلان جنگ با خدا نامیده شده است.^۱

واژه‌های حرب و قتال، مانند واژه جنگ در زبان فارسی، فاقد بار ارزشی است و دلالتی بر مطلوبیت یا عدم مطلوبیت ندارد، اما در قرآن کریم واژه جهاد فی سبیل الله در مورد جنگ مقدس و واژه مَفْکِ دِمَاءِ (= خونریزی) در مورد جنگ‌های نامشروع بکار رفته است، هر چند واژه جهاد دقیقاً به معنای جنگ نیست بلکه به معنای تلاش و بکار

.....

۱ - سوره بقره، آیه ۲۷۹.

گرفتن نیروها - اعم از فیزیکی و روانی و انسانی - در برابر دشمن است، حتی صرف مال در مصارف خداپسند و تأمین هزینه های نظامی، جهاد مالی نامیده می شود چنانکه مبارزه با هواهای نفسانی و انگیزه های شیطانی، جهاد اکبر خوانده شده است.

جنگ در جهان بینی قرآن

می دانیم که نگرش قرآن نسبت به حوادث جهان و انسان، نگرشی توحیدی و مبنی بر تابع بودن همه پدیده ها نسبت به اراده تکوینی و حکیمانه الهی در سطح عالی است، بدون اینکه تأثیر اراده های فاعلهای مرید را در سطح نازلتری نفی کند یا از ایشان سلب مسئولیت نماید.

بر این اساس، کل جهان مخلوق، نظام همبسته واحدی است که در مجموع، بهترین نظام ممکن (نظام احسن) می باشد و هر یک از پدیده ها و اراده ها، جای خود را در این نظام خواهد داشت. و هر پدیده ای از آن جهت که تأثیری در پیدایش خیرات و برکات و کمالات وجودی دارد بالأصله مورد تعلق اراده الهی است و از آن جهت که موجب نقص و شری بشود، اراده الهی بالتبع به آن تعلق می گیرد و این یکی از دشوارترین مباحث الهیات است، که باید در جای خودش مورد بحث قرار گیرد.

طبعاً جنگها هم که نوعی پدیده های انسانی - اجتماعی هستند بیرون از دایره این نظام نخواهند بود و خیرات و شرور آنها بالأصله و بالتبع مشمول اراده الهی خواهد بود و به دیگر سخن: وقوع جنگها به معنای غلبه اراده انسانها بر اراده الهی نیست، بلکه آنها هم بخشی از زیر مجموعه سیستم کلی نظام احسن را تشکیل می دهند. قرآن کریم در این باره می فرماید:

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ.^۲

و مفاد آن این است که اگر خدا می خواست قدرت اقدام به جنگ را از انسانها سلب می کرد و جلو وقوع جنگها و خونریزیها را می گرفت، ولی چون اراده الهی بر مختار بودن انسان، قرار گرفته است چنین کاری را نخواهد کرد و انسانها را در بر پا کردن جنگها تا آنجا که به احسن بودن نظام، آسیبی نرساند، آزاد خواهد گذاشت. حاصل آنکه: از دیدگاه قرآن کریم جنگها پدیده هایی جبری نیستند که بر

.....

۲ - سوره بقره، آیه ۲۵۳.

اساس اصل تنازع در بقاء، یا تضاد دیالکتیکی طبقات جامعه، واقع شوند بلکه پدیده‌هایی برخاسته از اراده و اختیار انسانها هستند، ولی مانند سایر پدیده‌های انسانی و همه رویدادهای طبیعی، اجزائی از مجموعه بزرگ نظام هستی را تشکیل می‌دهند که وجود و نظم آن، تابع اراده حکیمانه الهی است. و اگر انسانها مجبور به ترک جنگ می‌شدند، هر چند پاره‌ای از نابسامانیهای معلول جنگ، تحقق نمی‌یافت، اما راه تکامل اختیار انسانها، دست کم در بُعد فعالیت‌های نظامی و فداکاری و جانبازی در راه خدا و ایده‌آل‌های والا، مسدود می‌گشت و این، برخلاف هدف آفرینش انسان مختار، و برخلاف مقتضای حکمت الهی است. بدین ترتیب، خیرات و برکات مادی و معنوی جنگها بالاصالة، و شرور و نابسامانیهای آنها بالتبع مورد اراده الهی واقع می‌شوند.

توضیح عناصر این نگرش قرآنی

نگرش قرآن نسبت به جنگ که بخشی از جهان بینی اسلام را تشکیل می‌دهد مبتنی بر اصول موضوعه خاصی (از قبیل هدفداری خلقت، شمول تدبیر و اراده حکیمانه الهی نسبت به همه پدیده‌های هستی، مختار بودن انسان در گزینش راه سعادت و شقاوت، احسن بودن نظام هستی علی‌رغم وجود شرور طبیعی و فسادهای انسانی) است که هر یک از این اصول از نظر عقلی در فلسفه الهی به اثبات رسیده و آیات قرآنی هم بخوبی بر آنها دلالت دارد و در اینجا مجال توضیح آنها نیست.

اما این نگرش — که اجمالاً به آن، اشاره کردیم — قابل تحلیل به عناصری است که جا دارد در باره هر یک از آنها جداگانه بحث شود و به آیات مربوط به آنها اشاره گردد:

نخست: آنکه حکمت الهی و هدف از آفرینش انسان — به عنوان موجود مختاری که می‌بایست سرنوشت ابدی خود را با رفتارهای اختیاری خویش رقم بزند — اقتضاء دارد که دست او را در اقدام به جنگ و ستیز باز بگذارد و قدرت وی را سلب نکند و این همان نکته‌ای است که در آیه ۲۵۳ از سوره بقره به آن اشاره شده و توضیح آن گذشت.

دوم: آنکه مقتضای حکمت الهی این است که نیروها و امکانات لازم برای جنگ، در دست گروه معینی متمرکز نشود بگونه‌ای که سایر گروهها، توان رویارویی و ایستادگی در برابر آن را نداشته، مجبور به تسلیم شوند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى
الْعَالَمِينَ. ۳

اگر خدای متعال بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، آسمانها و زمین
(جهان) تباہ می‌گشت ولی خدا بر همهٔ جهانیان بخشش دارد.

مطالعهٔ تاریخ بشر نیز این نکته را تأیید می‌کند که در هیچ یک از مقاطع
تاریخی، قدرت بطور کامل و در بست در اختیار گروه خاصی نبوده و همیشه دو یا چند
گروه قدرتمند وجود داشته و تعادل و توازن قوی کما بیش برقرار بوده است، چنانکه
هم اکنون نیز شاهد چندگانگی قُطبهای قدرت در جهان هستیم. از دیدگاه قرآنی و
توحیدی این یک تدبیر الهی برای جلوگیری از گسترش فساد و خودکامگی به شمار
می‌رود.

سوم: حکمت الهی نه تنها مقتضای این است که همهٔ قدرتها در دست یک
گروه خودکامه و تبهکار، متمرکز نشود بلکه همچنین اقتضاء دارد که بین چند گروه
متخاصم تبهکار نیز توزیع نشود بگونه‌ای که مردم شایسته و خدا پرست نتوانند از خودشان
دفاع کنند و به سیر تکاملی خود که هدف اصلی از آفرینش انسان است ادامه دهند
قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْتُمْ صَوَامِعٌ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ
فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا. ۴

اگر خدای متعال بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر از بین نبرد، دیرها و کیشتها و
نمازخانه‌ها و مساجدی که نام خدا زیاد در آنها یاد می‌شود ویران می‌شد (و مراکز خدا پرستی و
تکامل معنوی انسانها نابود می‌گشت).

چهارم: همچنین مقتضای حکمت الهی این است که تا حدی به بشر فرصت
بر پا کردن جنگها را بدهد که مجموعاً منافع و خیرات ناشی از آنها بیش از جهات شر و
فساد باشد، تا منافاتی با هدف حکیمانهٔ آفرینش نداشته باشد پس باید پذیرفت که
جنگها علی‌رغم دشواریها و ضایعاتی که دارد می‌تواند منشأ خیرات و برکاتی نیز باشد
و حتی جهات خیر و صلاح آنها بر جهات شر و فساد آنها غالب آید. این نکته، از آیهٔ

.....

۴ - سورهٔ حج، آیه ۴۰.

۳ - سورهٔ بقره، آیه ۲۵۱.

۲۱۶ از سوره بقره استفاده می‌شود:

كَيْبَ عَلَيْنِكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

کارزار بر شما مقرر شد در حالی که برای شما ناخوشایند است و بسا چیزی که شما آنرا ناخوش می‌دارید و در واقع خیر شما در آن است و بسا چیزی را خوش می‌دارید که برایتان بد است و خدای متعال می‌داند و شما نمی‌دانید.

جهات خیر و مصلحتی که برای جنگ تصور می‌شود به دو دسته قابل تقسیم

است:

□ ۱- خیراتی که بطور کلی عائد جنگجویان می‌شود خواه بر حق باشند یا بر باطل، مانند اینکه نیروی تحرک و فعالیت‌های فیزیکی و علمی و صنعتی بوجود می‌آورد و جلوسستی و تنبلی و راحت طلبی را می‌گیرد. بررسی تاریخ جنگها و نتایج حاصله از آنها نشان می‌دهد که بسیاری از پیشرفت‌های علمی و صنعتی در اثر وقوع جنگها حاصل شده و شتاب گرفته است.

□ ۲- خیرات و برکات مخصوص به مؤمنان و حق جویان است که هم منافع و مصالح مادی و دنیوی خود را با حفظ موجودیت جامعه توحیدی و دفاع از شرف و عزت و استقلال خودشان بدست می‌آورند و هم زمینه را برای گسترش عدل و داد و فرهنگ و معارف الهی در کل جهان، فراهم می‌کنند و هم سعادت اخروی خود را در سایه فداکاریها و تحمل رنجها و مصیبتها بدست می‌آورند.

خیرات حقیقی در واقع، همین دسته دوم است و دسته اول جنبه مقدمیت

دارد.

حکمت‌های الهی در وقوع جنگها

با توجه به اینکه از دیدگاه قرآن کریم جنگها هم مشمول اراده حکیمانه الهی هستند و به تعبیر دیگر: بخشی از نظام احسن را تشکیل می‌دهند این سؤال، مطرح می‌شود که چه حکمت‌هایی در وقوع جنگها وجود دارد؟ و به دیگر سخن: جنگها چه نقشی را در نظام احسن ایفا می‌کند؟ و آیا قرآن کریم اشاره‌ای به حکمت و مصلحت جنگها دارد یا نه؟

پاسخ این است که قرآن کریم به چند موضوع مربوط به تدابیر الهی در مورد

جنگها اشاره کرده که مهمترین آنها از این قرار است:

* ۱ - آزمایش

منظور از آزمایش که در قرآن کریم با تعبیراتی از قبیل بلاء، ابتلاء، فتنه، تمحیص و مانند آنها بیان شده، این است که شرایطی فراهم شود که افراد و گروههای انسانها بر سر دو راهیها و چند راهیها قرار گیرند و با وجود گرایشهای متضادی که به راههای گوناگون دارند، دست به انتخاب و گزینش بزنند و تصمیم بر پیمودن یکی از آنها بگیرند و همین تصمیم گیریهاست که سرنوشت ایشان را از لحاظ سعادت و شقاوت، تعیین می کند و استعدادهای آنان را در دو جهت خیر و شر و ترقی و انحطاط معنوی، به فعلیت می رساند، و در حقیقت، این تدبیر الهی که بنام آزمایش نامیده می شود متضمن پرورش نیز هست.

از جمله آزمایشهایی که برای انسانها پیش می آید و نقش مهمی را در سعادت و شقاوت افراد و گروهها ایفاء می کند و زمینه حرکتهای سریع و جهت گونه را در جهت ترقی یا انحطاط معنوی فراهم می سازد، وقوع جنگهاست.

بنابر این، آزمایش از عام ترین حکمتهایی است که در مورد جنگها وجود دارد و طرفین متخاصم، هم در شروع کردن و هم در ادامه دادن و هم در کیفیت برخورد و رعایت موازین و معیارهای اخلاقی و نیز در مراتب استقامت و فداکاری در راه حق یا عناد و لجاج در راه باطل، آزموده می شوند و درجات گوناگون سعادت و درکات مختلف شقاوت را برای خودشان فراهم می سازند.

این مطلب در آیات فراوانی از قرآن کریم مورد تأکید واقع شده که از جمله آنها این آیات است: بقره/ ۱۵۵ و ۱۵۶، آل عمران/ ۱۴۰ تا ۱۴۳، انفال/ ۳۷، محمد/ ۳۱.

* ۲ - کیفر تبهکاران

هر چند جایگاه پاداش و کیفر کامل، عالم آخرت است ولی خدای متعال در همین جهان هم نمونه هائی از کیفر تبهکاران و پاداش نیکوکاران را به ایشان می دهد. و از جمله هنگامی که جامعه ای به کلی فاسد شود و امید خیر و بازگشتی در باره آن نرود به عذاب استیصال مبتلی می شود چنانکه داستانهای عذاب قوم نوح و عاد و ثمود

و... مکرراً در قرآن کریم آمده است. عذاب الهی گاهی بوسیله عوامل طبیعی مانند باد و طوفان و زلزله و... بر تبهکاران نازل می شود و گاهی بوسیله عوامل انسانی و بدست جنگجویان و رزم آوران پیروز. قرآن کریم در آیه ۱۴ از سوره توبه می فرماید:

فَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ.

با مشرکان بجنگید تا خدای متعال ایشان را بدست شما عذاب کند.

همچنین در آیات دیگری از جمله آیه ۵۲ از همین سوره و آیه ۱۷ از سوره انفال به این مطلب اشاره شده است.

* ۳- گوشمالی گنهکاران

مردم مؤمن و خداپرست هم همیشه در مسیر صحیح و حق، استوار نمی مانند و گاهگاه دچار انحرافات و کج رویهایی می شوند و دامنشان آلوده به گناه و فساد و ظلم می گردد، خدای متعال چنین مردمی را مورد تأدیب و گوشمالی قرار می دهد تا بخود آینده و دست از گناه و فساد بردارند. و گاهی این تأدیب بصورت هجوم دشمنان و شکست خوردن در جنگ با آنان، انجام می گیرد، هر چند دشمنان پیروز هم مردمی شایسته و خداپرست نباشند چنانکه بنی اسرائیل بعد از آنکه به فساد کشیده شدند، مورد هجوم بابلیان و بخت النصر قرار گرفتند و از شهر و دیار خودشان رانده و آواره شدند. قرآن کریم در آیات ۴ تا ۸ از سوره اسراء (بنی اسرائیل) می فرماید:

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا
فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ
وَعْدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا إِنْ
أَخْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا
الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلِمُوا تَبْتِيرًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُذْتُمْ مَعَنَا
وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا.

به بنی اسرائیل اعلام کردیم که دوبار در زمین تبهکاری و سرکشی بزرگی خواهید کرد و چون موعد نخستین فرا رسید بندگان با صلابت و سرسخت را بر شما برانگیختیم که در میان خانه ها (بتاراج) بگشتند و این وعده ای انجام یافته بود. سپس دولت را به شما بازگردانیدیم و شما را با اموال و فرزندان مدد کردیم و شمارتان را افزونتر کردیم اگر نیکی کنید به خود کرده اید و اگر

بدی کنید به خود کرده‌اید و چون موعد پسین آمد تا به شما بدی کنند و مانند بار نخست به مسجد در آیند و به هرچه دست یافتند آنرا نابود کنند، باشد که پروردگارتان بر شما رحمت آورد و اگر (به فساد) باز گردید (ما نیز به گوشمالی شما) باز می‌گردیم و جهنم را زندانی برای کافران ساخته ایم.

* ۴ - پیروزی نهایی شایستگان

جهان بینی اسلام یک جهان بینی خوش بینانه است و بر خلاف بدبینان و کسانی که نسبت به پایان کار جهان و زندگی انسان بدبین یا دچار شک و دلهره هستند، زندگی انسان را خوش فرجام و همراه با حکومت شایستگان و پیروزی خداپرستان می‌داند.

این بینش، مبتنی بر حکمت الهی و احسن بودن نظام آفرینش است که بارها به آن اشاره شده و نتیجه آن در مورد جنگها این است که در نهایت به پیروزی مؤمنان و خدا پرستان می‌انجامد و علاوه بر پیروزی‌هایی که گروههای شایسته در طول تاریخ متناوباً بدست می‌آورند، سرانجام پیروزی کامل و همه جانبه از آن ایشان خواهد بود و این نویدی است که خدای متعال به زبان پیامبرانش به امتهای پیشین داده است چنانکه قرآن کریم از تورات و زبور نقل می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ. ۵

در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ام به ارث خواهند برد.

و در سوره صافات می‌فرماید:

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِن جُنَدُنَا لَهُمُ

الغالبون. ۶

سخن ما درباره بندگان فرستاده‌مان، از پیش رفته است که البته ایشان همان یاری

شدگانند و سپاه ما همان چیره شوندگانند.

و در آیه ۲۱ از سوره مجادله می‌خوانیم:

كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَآ أَنَا وَرُسُلِي.

خدای متعال مقرر داشته است که البته من و پیامبرانم پیروز خواهیم شد.

بقیه در صفحه ۷۳

۶ - آیات ۱۷۱ - ۱۷۳.

۵ - سوره نبا، آیه ۱۰۵.

فزونی گذاشت، حضرت پرسیدند چقدر گندم داریم؟ عرض کردم برای چند ماه کافی است، فرمود آن را به بازار برده و بفروش، عرض کردم در بازار بسیار نایاب است و ممکن است پس از فروش برای تهیه مجدد آن به زحمت بیافتم، فرمود باشد بفروش، پس از آنکه آنها را فروختم فرمود حالا مثل دیگران نیازمان را روزانه از بازار خریداری کن و افزودند خوراک عیال مرا نیمی از گندم و نیمی از جو قرار بده.

همچنین آن حضرت روزی به منظور مبارزه با درویشی و تنبلی و زهد فروشی، لباس فاخر به تن مبارک کرده و زیر آن، لباس پشمینه ای پوشیده بودند که مورد اعتراض سفیان ثوری قرار گرفت که چرا جدت امیرالمؤمنین همواره از لباس خشن استفاده

می کرد و شما لباس فاخر به تن کرده اید، فرمود: زمان ما با زمان امیرالمؤمنین (ع) فرق می کند.

پس اگر روزی حکومت اسلامی مثل امروز، در محاصره اقتصادی قرار گرفت، تنها دادن مالیات و زکوة و خمس و سایر واجبات مالی کفایت نمی کند، بلکه بر همه مسلمین لازم است زائد بر مایحتاج زندگی خود را صرف جنگ و دفاع مقدس و محرومیت زدائی نمایند حتی اگر لازم باشد از ایشار هم خودداری نکنند گرچه روایت: رِيحُ الْمُؤْمِنِ عَسَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ را فقهاء نظریه روایات معارض دیگر حمل به کراهت نموده اند ولی در شرائطی ممکن است قائل به وجوب آن شده و آن را مختص به زمان ظهور امام عصر (عجل الله فرجه و روحی وارواح العالمین له الفداء) نکرد.

بقیه از صفحه ۲۹

و در سه آیه (توبه/ ۳۳، فتح/ ۲۸، صف/ ۹)، وعده پیروزی نهائی و جهانگیری شدن دین اسلام به پیامبر اکرم (ص) داده شده است:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ .

او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه دینها چیره کند.

و در روایات متواتر آمده است که مرتبه کامل این وعده، با ظهور مهدی موعود (عجل الله فرجه الشریف) و از راه جنگهایی که با دشمنان اسلام می کند تحقق خواهد یافت و این، ارزنده ترین و پربرکت ترین نعمتی است که از راه جنگ، عائد جامعه انسانی می شود.